

تعارف افروز

برگزیده شعر ناصر خسرو

دکتر نجمه درّی

www.ketab.ir

سرشناسه	دری، نجمه، ۱۳۵۵ -
عنوان قراردادی	دیوان - برگزیده - شرح.
عنوان و نام پدید آور	شاعر نیلوفر: برگزیده شعر ناصر خسرو / مولف نجمه دری.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه هرمزگان، ۱۳۹۵ -
مشخصات ظاهری	۲۹۲ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۲۷۹-۳۹-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	واژه نامه.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۸۹-۲۹۲.
یادداشت	نمایه.
عنوان دیگر	برگزیده شعر ناصر خسرو.
موضوع	ناصر خسرو، ۳۹۴-۴۸۲ ق. دیوان - نقد و تفسیر
موضوع	ناصر خسرو، ۳۹۴-۴۸۱ ق. - نقد و تفسیر
موضوع	شعر فارسی - قرن ۵ ق. - تاریخ و نقد
موضوع	Persian poetry-11 th century-History and criticism
موضوع	شعر فارسی - قرن ۵ ق.
موضوع	Persian poetry-11 th century
شناسه افزوده	ناصر خسرو ۳۹۴-۴۸۲ ق. دیوان. شرح.
شناسه افزوده	دانشگاه هرمزگان
رده بندی کنگره	۹۵ - ۱۷۱ / ۲۲ PIR
رده بندی دیویی	۸۱۶ / ۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۹۹۷۰۰

نام کتاب:	شعر نیلوفر برگزیده شعر ناصر خسرو
ناشر:	دانشگاه هرمزگان
مولف:	دکتر نجمه دری
چاپ و صحافی:	مارال
نوبت چاپ:	اول / ۱۳۹۵
تیراژ:	۱۰۰۰ نسخه
قیمت:	۱۲۰۰۰۰ ریال

ISBN:978-600-7279-39-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۷۹-۳۹-۷

تهران - خیابان انقلاب - رویروی درب اصلی دانشگاه تهران - مجتمع تجاری اداری فروزنده - طبقه همکف
فروشگاه دانشگاه هرمزگان

تلفن: ۶۶۹۰۷۷۱۴ (۰۲۱) - ۶۶۹۵۰۵۵۳ (۰۲۱)

فروش اینترنتی در تارنامای دانشگاه هرمزگان (مرکز نشر) WWW.hormozgan.ac.ir

پیشگفتار

مقدمه

۲۳	ناصر خسرو و اسماعیلیه
۲۳	مذهب اسماعیلی
۲۵	عقاید اسماعیلیه
۲۷	اعتقاد به تأثیر فلک و ستارگان
۲۷	اعتقاد به تأویل
۲۹	اعتقاد به دوره‌های هفتگانه
۳۰	اعتقاد به علیم
۳۰	شعر ناصر خسرو
۳۳	برگزیده اشعار و نثر آن‌ها
۳۷	۱ ای قبه گردنده بی‌وفای خضر را
۴۷	۲ ای روی داده صحبت دنیا را
۵۱	۳ آزرده کرد کزدم غربت جگر مرا
۵۷	۴ سلام کن ز من ای باد مر خراسان را
۶۵	۵ نکوهش مکن چرخ نیلوفری را
۷۱	۶ باز جهان تیز پر و خلق شکار است
۷۵	۷ خرد چون به جان و تنم بنگریست
۷۹	۸ تا مرد خر و کور و کر نباشد
۸۳	۹ آمد بهار و نوبت سرما شد
۸۹	۱۰ هر که جان خفته را از خواب جهل آوا کند
۹۵	۱۱ چونک نکو ننگری جهان چون شد؟
۹۹	۱۲ از اهل ملک در این خیمه گبود که بود
۱۰۵	۱۳ چند گویی که چو ایام بهار آید؟
۱۱۱	۱۴ ای هفت مدبر که در این پرده سرائید
۱۱۷	۱۵ برآمد سپاه بخار از بخار
۱۲۱	۱۶ این جنبه گردنده بدین گوی مدور

- ۱۷ ای خواننده بسی علم و جهان گشته سراسر ۱۲۵
- ۱۸ برکن ز خواب غفلت پورا سر ۱۳۷
- ۱۹ ای کهن گشته در سرای غرور ۱۴۳
- ۲۰ هشتم قوی به فضل خدای است و طاعتش ۱۴۷
- ۲۱ دل ز افتعال اهل زمانه ملا شدم ۱۵۳
- ۲۲ پانزده سال برآمد که به یمگانم ۱۵۷
- ۲۳ گر مستمند و با دل غمگینم ۱۶۳
- ۲۴ دیر بماندم در این سرای کهن من ۱۶۹
- ۲۵ ای افسر کوه و چرخ را جوشن ۱۷۵
- ۲۶ مکر و حسد را ز دل آوار کن ۱۸۱
- ۲۷ جهانان در خورد و بایسته ای ۱۸۵
- ۲۸ آفر فوت - ربی وان صورت بهشتی ۱۸۹
- ۲۹ آن جسی در شنگانی ۱۹۳
- ۳۰ بر مرکبی به تنی شایانی ۱۹۹
- ۳۱ بگذر ای باد دل از روز خراسانی ۲۰۳
- ۳۲ ای غره شده به پادشاهی ۲۰۹
- ۳۳ تا کی خوری دریغ ز برنانی ۲۱۳
- ۳۴ جهانان مرا خیره مهمان چه خوانی ۲۱۷
- ۳۵ این کهن گیتی ببرد از تازه فرزندان نویی ۲۲۱
- ۳۶ نشنیده ای که زیر چناری کدو بنی ۲۲۵
- ۳۷ چون تیغ به دست آری مردم نتوان گشت ۲۲۷
- ۳۸ بار خدایا اگر از روی خدائی ۲۲۹
- ۳۹ روزی ز سر سنگ عقابی به هوا خاست ۲۳۱
- ۴۰ جوانی شد او را فراموش کن ۲۳۳
- ضمیمه ها ۲۳۵
- واژه نامه ۲۴۰
- نمایه ۲۷۵
- فهرست منابع ۲۸۹

پیشگفتار

تجربه پانزده سال تدریس کم و بیش پیوسته قصاید ناصر خسرو در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، موجب شد دغدغه تألیف کتاب حاضر در ذهنم خطوط کند. تقریباً تمامی کتاب‌های موجود مشابه را بارها تدریس کردم و حاشیه‌هایی پیرامون آن و در جهت دریافت بهتر دانشجویان یادداشت کردم. مهمتیز، نکته در مورد شرح‌ها و گزیده‌های موجود از قصاید ناصر خسرو، ضعف ر مقدمه کتاب‌ها بود و عدم مراجعه به سایر آثار ناصر خسرو در شرح ابیات و مشکلات. در اینم بدون در نظر گرفتن جنبه‌های اعتقادی و توصیه‌های اخلاقی، شعر ناصر خسرو هیچ‌گونه برتری بر سایر شاعران هم‌عصرش در سبک خراسانی ندارد و آنچه نامداران درسی را به حق بر آن داشته تا بررسی اشعار این شاعر را هم در دوره کارشناسی و هم در کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی به عنوان درس تخصصی اجباری بگنجانند، همین ویژگی منحصر به فرد اوست. شاعری که شعر را دست‌آورد بلیغ عقاید خود قرار داد. لذا شناخت هرچه دقیق‌تر زندگی شاعر و نحوه آشنایی وی با سلسله فاطمیان در مصر و چگونگی ارتباط با ایشان ضروری به نظر می‌رسد. همچنین معرفی دقیق مذهبی که ناصر خسرو، سرمایه شاعری خود را وقف آن کرده و در جای جای اشعارش دیگران را به سوی آن دعوت می‌کند، مزه به ذکر است در این زمینه یعنی معرفی مذهب اسماعیلیه و پیروان و معتقداتش، آثار معتنابهی نوشته شده و در دسترس است. ما در این سال‌ها جزوه‌های کوچک و بزرگ در همین کتاب‌ها تهیه کرده و در اختیار دانشجویان قرار می‌دادیم که روند این گزینش و دسترسی به منابع آن، خالی از مشکل نبود. اینک به یاری خدا خلاصه و برگزیده‌ای از مطالعات و تحقیقات انجام شده را در خصوص زندگی، شعر، اندیشه و اعتقاد ناصر خسرو، برای فهم بهتر اشعارش در مقدمه این کتاب جمع آوری کرده‌ایم. در بخش گزینش اشعار نیز تعداد چهل قطعه شعر از میان قصاید مشهور و قطعه‌های کوتاه برگزیده شده است. تلاش ما بر این بوده

است که حتی المقدور بیتی از قصاید حذف نشود و برای هر چه دقیق تر خواندن اشعار توسط دانشجویان و آگاهی بر اختلاف نسخه‌های موجود، تفاوت نسخه‌ها را درباره هر قطعه شعر در پایان آن ذکر کردیم و سپس به شرح نکته‌های لازم پرداختیم. در شرح اصطلاحات موجود در ابیات به خصوص اصطلاحات مذهبی و اعتقادی تا آنجا که ممکن بوده، از دیگر آثار منشور ناصر خسرو استفاده شده است. همچنین کلیه شرح‌های موجود از اشعار ناصر خسرو مشاهده شده و چنانچه اختلاف نظری وجود داشته است که در فهم شعر نقش مؤثر داشته، به آن اشاره شده است.

دوینجا لازم می‌دانم از جناب آقای عبدالرضا بردبار، کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز و استاد مسلم ادبیات فارسی در آموزش و پرورش استان فارس، هم‌مهمانه تشکر نمایم که از اولین مراحل نگارش کتاب حاضر با صبر و بردباری، نسخه را همراهی نموده‌اند و در همه مراحل شرح اشعار از تذکرات و پیشنهادها از دانشمندان ایشان به خصوص در آرایه‌های لفظی و معنوی موجود در ابیات بهره برده‌ام. برای ایشان از درگاه خداوند متعال بهروزی و تندرستی آرزو مندم.

و خدای منان را بارها سپاس می‌گویم که نعمت برخورداری از رهنمودهای استادان گرانقدر را برای من فراهم نموده است. در مراحل پایانی نگارش کتاب حاضر و تحویل آن به ناشر بودم که جناب آقای احمد رضا ترکی استاد گرانقدر دانشگاه تهران بزرگوارانه قبول زحمت فرمودند و اصلاحات و حوصله‌ای ستودنی کتاب را از نظر گذراندند و در سطر به سطر شرح ابیات، نکات ارزنده‌ای را بیان فرمودند و بنده شاگردوار در صدد اجرای رهنمودهای ایشان برآمده و بی‌شک اگر نکات جدید و معتناهی در شرح ابیات ملاحظه می‌شود بیشتر از زمره افاضات و رهنمودهای ایشان است و البته هر گونه کوتاهی و لغزشی که در ارائه مطالب خواسته یا ناخواسته دیده می‌شود برگردن بنده و نتیجه کم‌تجربگی و شاگردواری است و ساحت والای این بزرگواران منزّه از آن است. برای ایشان و همه بزرگوارانی که خوشه‌چین دانش و معرفتشان بودم طول عمر و سربلندی آرزو دارم تا در سایه کمال و ارجمندی‌شان نهال ارزشمند ادب فارسی بیش از

پیش به بار نشیند و همگان از مواهب سرشارش بهره‌مند گردند.

همچنین لازم است به مناسبت چاپ کتابم در انتشارات دانشگاه هرمزگان از همراهی عزیزان گرانقدر دانشگاه تشکر نمایم؛ به ویژه از جناب آقای دکتر علی اکبر شیخی فینی ریاست محترم دانشگاه هرمزگان و جناب آقای دکتر پیمان رضایی ریاست محترم مرکز نشر دانشگاه هرمزگان و کلیه کارشناسان و دست‌اندرکاران فعال و دلسوز ایشان. و جای آن دارد که با کمال فروتنی از همکاران دانشمندم در گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه هرمزگان که از تذکرات به‌جا و اندیشمندانه ایشان در جهت تصحیح کتاب بهره‌مند شده‌ام قدردانی نمایم. همراهی و صبوری جناب آقای قاسمی در ویراستاری کتاب، مشکور و مأثور است. برای همه این بزرگواران سلامتی و شادکامی را از درگاه ایزد منان مسئلت دارم.

نجمه دری

اردیبهشت ۱۳۹۵

مقدمه

بگذشته ز هجرت پس سیصد نود و چار
بنهاد مرا مادر بر مرکز اغیر

ذکر تاریخ دقیق برای تولد و وفات شاعران از آنجاکه همزمانی آن‌ها را با حکمت‌های سیاسی وقت و گرایش اعتقادی خاندان‌های حاکم در هر منطقه به سنی بیان می‌کند، حائز اهمیت و جالب توجه است و مورخان و محققان تاریخ ادبیات بر بانه شواهد موجود سعیشان بر آن است که به ارائه هر چه دقیق‌ترین تاریخ‌ها استخراج آن از لابه‌لای کلام خود شاعران و معاصران آن‌ها بپردازند. شاعر به دبحث ما از این حیث و در خصوص تاریخ تولد با اشاره صریح، ما را از مرجعه آثار دیگر بی‌نیاز می‌کند.

در کتاب سخن و بدختران آمده است: «حکیم ناصر بن خسرو بن حارث القبادیانی البلخی والمروزی مکنه به ابو معین و ملقب و متخلص به حجت در ماه ذی‌القعدة از شهر سنه ۹۴ هجری قمری مطابق با تیر یا مردادماه سنه ۲۸۲ هجری شمسی در قبادیان از نواحی بلخ متولد شده و بعد از سنه ۴۶۰ و به روایت اقرب به صحت در سنه ۴۸۱ در بلخ افعال بدخشان وفات یافته است.» (فروزانفر، ۱۳۵۸: ۱۵۴)

در خصوص شرح احوال و زندگی ناصر خسرو منای چندی در دست است که عموماً از تذکره‌هایی نظیر تذکره الشعراء دولتشاه سمرقانی، مجمع الفصاحای هدایت و یا مقدمه سفرنامه منسوب به ناصر خسرو استخراج شده است و به کتب تاریخ ادبیات جدید راه یافته است. بر طبق این منابع ناصر خسرو از خاندان محتشمی بوده و ثروت و ضیاع و عقاری در بلخ داشته و از کودکی به کسب علوم و آداب اشتغال ورزیده است. در جوانی به دربار سلاطین و امرای وقت راه یافته و حتی بنابه قول سفرنامه بارگاه سلطان محمود غزنوی و پسرش مسعود را دیده است و از ۲۷ سالگی تا چهل و دو سالگی در خدمت یکی از امرای

خراسان به نام ابو سلیمان جقری بیک داوود بن میکائیل بن سلجوق بوده و به عنوان یکی از دبیران این سلطان به کار دیوانی اشتغال داشته است.

قبادیان زادگاه ناصر خسرو، قصبه کوچکی بود در حوالی مرو، شهر بزرگ ناحیه بلخ از نواحی ایالت بزرگ خراسان، در شرق ایران که دامنه وسعت آن تقریباً تا به جیحون می‌رسید. نیشابور، مرکز ایالت خراسان و مرو، دو توقفگاه مهم در مسیر جاده ابریشم بودند و در زمان ناصر خسرو این دو شهر در واقع جهان شهرهایی بودند که جوامع بزرگ مردم با قومیت‌ها و دین‌های مختلف اعم از یهودی، مسیحی و بودایی در کنار هم و با مسلمانان، خواه سنی و خواه شیعه، مزبستی مسالمت آمیزی داشتند. این امر موجب پیدایش اجتماعی غنی و ثروتمند، هم در جهت ثروت و متاع دنیوی و هم ثمرات فکری، دینی و هنری شده بود (ناصر، ۱۳۹۰: ۱۸).

ناصر خسرو در سده ششم هجری قمری در فضایی این چنین به دربار سلاطین راه یافت. سال‌های نخست را در دوران سلطنت غزنویان و پس از آن در دوره سلجوقیان به خدمت ایرانی اشتغال داشت و تا چهل یا به قولی چهل و دو سالگی عمرش در مسافرت به طایفه و شعر و شراب و عشرت گذشت. در مدرسه علوم موجود را فراگرفت. فلسفه، علوم دینی، ادبیات، تاریخ و ریاضیات را خوب می‌دانست. همین امر موجب قبول بودن وی در دستگاه شاهان غزنوی و سلجوقی بود به طوری که لقب «اب و بیر فاضل گرفته و شاه وی را خواجه خطیر خطاب می‌کرده است. (صفا، ۱۳۶۲: ۵، ۴۴۶).

اما گویا کسب مقامات دنیوی و متاع قلیل این جهانی، جبهه بلندپرواز و حقیقت جوی ناصر را بسنده نبود و اشتیاق دردناک او برای یافتن پاسخ سؤالاتی که روح اندیشمندش را فراگرفته بود، در نهایت منجر به بحرانی همه جانبه در زندگی شاعر گردید که به قول خودش او را از خواب چهل ساله بیدار کرد و به سرچشمه حقیقت رساند.

برخاستم از جای و سفر پیش گرفتم

نزد خانم یاد آمد و نزد گلشن و منظر

درد طلب حقیقت، شاعر ناآرام را به سفر میکشاند. زندگی بزرگان شعر و عرفان همیشه همراه با افسانه‌هاست و در شرح زندگی بیشتر آنان سخن از تغییر حالت ناگهانی است که عموماً در حوالی چهل سالگی، سن تکامل اندیشه روی می‌دهد و احوال مشابه آن را می‌توان در زندگی شاعرانی همچون باباطاهر، سنایی، عطار و دیگران نیز مشاهده کرد که تعبیر رؤیایی یا سخن دیوانه‌ای و یا رویارویی با درویش ژولیده‌ای حالشان را دگرگون میکند و حال اینکه حقیقت داشتن این رؤیای صادق و چگونگی ایجاد این بحران اهمیت چندانی ندارد. آنچه مهم است اینکه بعد از این تغییر احوال، ناصر خسرو از منصب دیوانی خود در مرو دست می‌کشد و به بهانه سفر حج از زادگاه خود خارج شد. قدم در سفری می‌گذارد که شهرت و اعتبار به دست آمده‌اش، حاصل این تحول و سر بی‌این سفر است.

در سفرنامه آمده است:

«... شبی در خواب دیدم که یکی مرا گفت چند خواهی خوردن از

این شراب که خرد از مردم زایل کند اگر بهوش باشی بهتر! من جواب

دادم که حکما جز این چیزی نتوانستند بگویند که اندوه دنیا کم کند.

جواب داد که در بیهودی و بیهوشی راحت‌تر بماند. حکیم نتوان گفت

کسی را که مردم را به بیهوشی رهنمون باشد. اما چیزی باید طلبید

که خرد و هوش را بیفزاید. گفتم که من این از کجا آورم؟ گفت جوینده

یابنده باشد! و پس سوی قبله اشارت کرد و دیگر سخن نگفت چون از

خواب بیدار شدم آن حال تمام یادم بود و بر من کار کرد ب خود گفتم

که از خواب دوشین بیدار شدم باید از خواب چهل ساله نیز بیدار گردم

اندیشیدم که تا همه افعال و اعمال خود بدل نکنم فرج نیابم...»

بعد از این خواب سفر آغاز می‌شود. این سفر به عبارتی نقطه عطفی است در

تاریخ زندگی او، یک مرد عادی و مأمور دیوانی پس از این سفر تبدیل میشود به

مجاهدی سرسخت و خستگی‌ناپذیر با عنوان فخیم حجت جزیره خراسان و از

مشهورترین داعیان فاطمی در جهان آن روز. (دشتی، ۱۳۹۱: ۲۴)

این مسافرت که برادر کوچکش ابوسعید و یک غلام هندی نیز با وی بودند، هفت سال طول کشید. در این سفر چهار بار حج به جای آورد و شمال شرقی، شمال غربی، جنوب غربی، مرکز ایران و ممالک و بلاد ارمنستان و آسیای صغیر و حلب و طرابلس، شام، سوریه و فلسطین و جزیره العرب و مصر و قیروان و سودان را سیاحت کرد. (صفا، همان ۴۹) و در مصر سه سال اقامت کرد که حاصل آن گرویدن به مذهب اسماعیلی است که شاعر به گفته خودش پاسخ همه الحوالات را در این مذهب می یابد. دفتری (۱۳۹۵) درباره سفر ناصر خسرو می نویسد: «وی در این سفر از شهرها و نواحی مختلف ایران گذشت، چندروزی را در قلعه شمیران در طارم صرف کرد و سپس آسیای صغیر و نیز شام و فلسطین را سیاحت کرد و پیش از آنکه در صفر ۴۳۰ ق وارد قاهره شود نخستین حج از خندان حج خود را به جای آورد. داعی المؤید نیز که بعداً در حدود بیست سال تا هنگام وفاتش بالاترین منصب یعنی داعی کل (داعی الدعوات) را در سلسله مراتب دعوت اسماعیلیه برعهده داشت در همان سال به قاهره فاطمی وارد شده بود. ناصر خسرو در آن سال، یعنی تا ذوالحجه ۴۴۱ ق را در پایتخت فاطمیان گذراند.» (دفتری، ۳۹۵: ۳۵۱)

ناصر خسرو در سال های اقامت در مصر، مؤید فی الدین شیرازی که از داعیان بزرگ اسماعیلی و از نزدیکان خلیفه فاطمی بود با آیین اسماعیلی آشنا می شود و به سال های سرگردانی خود پایان می دهد. همچنین به وسیله همین مؤید فی الدین به دربار خلیفه فاطمی المستنصر بالله، امیر تیم معدبن علی (۴۸۷-۴۲۷) می رود. مدح های اغراق آمیز ناصر خسرو درباره این خلیفه در جای جای دیوانش به چشم می خورد و گویا دیدار او حل تمامی مشکلات را برای ناصر به دنبال دارد تا آنجا که در خدمتش می ماند بعد از طی مراحل و مدارج به مرتبه حجت ارتقا می یابد و از طرف خلیفه فاطمی به عنوان حجت جزیره خراسان که یکی از جزایر دوازده گانه اسماعیلیه است منصوب می شود. (صفا، همان ۴۵۰)

ناصر خسرو در حدود سال ۴۴۱ و زمانی که پنجاه ساله بود به وطن باز

می‌گردد و در بلخ ساکن میشود تا به تبلیغ و دعوت آیین اسماعیلیان بپردازد. به‌درستی معلوم نیست وی چه مدت توانسته باشد در خراسان مردم را پنهانی به آیین اسماعیلی فراخواند و چه میزان از ایشان به او گرویدند. (نظری، ۱۳۸۳: ۴) ولی آنچه معلوم است اینکه به‌زودی مخالفان و متعصبان کار را بر او دشوار کردند و حتی به عبارتی فتوای قتل او داده شد و مجبور شد به اتهام بددینی و قرمطی و ملحد بودن ترک وطن کند و ابتدا به نیشابور بعد از آن به مازندران و در نهایت به یمگان پناه ببرد.

دوستی عترت و خانه رسول کرد مرا یمگی و مازندری

دولت‌شاه زندی می‌گوید که ناصر خسرو بعد از پناه بردن به مازندران در رستم‌دار و گیلان توقف کرد. (سمرقندی: ۳۵) و بعد از آن تا آنجا که می‌دانیم به نیشابور می‌رود و در آنجا یمگان را برای محل اقامت دائم خود انتخاب می‌کند. پناه بردن به یمگان بعد از سال‌ها سرگردانی گویا در حدود ۶۰ الی ۶۳ سالگی اتفاق می‌افتد و شاعر بیش از ۲۵ سال پایانی حیات خود را در آنجا به سر می‌برد. بعد از مرگ نیز در همان جا، خاک سپرده می‌شود و قبر او مدت‌ها پس از وی مزار اسماعیلیان بوده است. (صفا: ۴۵۱)

سال‌های اقامت ناصر خسرو در یمگان هم‌اکنون به گفته شد بیش از ۲۵ سال طول کشیده و دوران کمال و پختگی در شعر و اندیشه ناصر است. وی در این سرزمین با قدرت و تأکید بسیار به نشر و تبلیغ مذهب اسماعیلی پرداخته است به‌گونه‌ای که هنوز هم در این نواحی و نواحی نزدیک آن، طرفداران این مذهب به چشم می‌خورند و گویا شاعر این دره آرام را مکان مناسبی دیده است تا بتواند دور از نگاه متعصبان و فقها و امرایی که وی را بر منابر لعن می‌کردند و مهدورالدم می‌دانستند، در کنار مردمی که آن‌ها را لشکر فرشتگان می‌دانند، در تقویت و نشر عقاید و باورهای راسخ خود تلاش کند. از همین روی هرگز اندیشه بازگشت به خراسان را به دل راه نداد و در همین دره حصین دور از

سوء قصد مخالفان با شاگردان و پیروانش زندگی می کرد.

منگر بدین ضعیف تنم زانکه در سخن

زین چرخ پرستاره فزون است اثر مرا

آثار ناصر خسرو را می توان به دودسته آثار منظوم و منثور تقسیم نمود.

الف) آثار منظوم

آثار منظوم او عبارتند از: دیوان اشعار و دو منظومه روشنایی نامه و سبک دیت نامه. هر چند در صحت انتساب آن ها به ناصر خسرو، نظراتی دال بر تردید نیز وجود دارد.

۱. دیوان اشعار دیوان ناصر خسرو مشتمل بر قصاید وی و تعداد کمی قطعه و چهار رباعی است و بر روی هم ۱۱۰۴۷ بیت را تشکیل می دهد که به گفته ذبیح الله صفا مرحوم حاج سید نصرالله تقوی بهترین چاپ این دیوان را ارائه داده است که البته ممکن است نسخه موجود قسمتی از دیوان ناصر خسرو باشد چرا که دولتشاه سمرقندی تعداد این دیوان او را سی هزار بیت دانسته است. (همان: ۴۵۴)

مضمون کلی اشعار در دیوان ناصر خسرو مباحثی مبنی بر بی اعتباری دنیا و لزوم ترک آن و توجه به آخرت، پند و اندرز به نیکوکاران در راستی و خردورزی و نیکوسخنی و طعنه و هشدار به مخالفان مذهبی و اخلاقی و جزا و عذابی که منتظر منکران و ملحدان است و همچنین پرداختن به ادول مورد تأکید مذهب اسماعیلی نظیر تأویل آیات قرآن و مدح خلیفه فاطمی و امام شیعه و استدلال هایی در اثبات توحید، معاد و امامت از دیدگاه باطنیان است.

۲. روشنایی نامه: منظومه ای است کوتاه شامل ۵۹۲ بیت و در قالب مثنوی به بحر هزج مسدس محذوف و موضوع آن پند و وعظ و حکمت است. این کتاب همراه با سفرنامه به کوشش م غنی زاده (برلین، ۱۹۲۲م) به چاپ رسیده بود و به صورت ضمیمه دیوان ناصر خسرو به کوشش تقوی تجدید چاپ شد. این مثنوی در حدود سال ۴۴۰ق درباره توحید، نفس و دیگر موضوعات کلامی و

همچنین اخلاقی تألیف شده است.

ابیات زیر از روشنایی نامه انتخاب شده است:

بدان خود را که گر خود را بدانی
ز خود هم نیک و هم بد را بدانی

شناسای وجود خویشتن شو
پس آنگه سرفراز انجمن شو

چو خود دانی همه دانسته باشی
چو دانستی ز هر بد رسته باشی

دانی قدر خود زیرا چینی
بدایی اگر خود را بینی

ترانه پرخ هفت اختر غلامست
تو شاگرد کی حیف تمامست

مشو پایند لذت بهیمی
اگر جویای آن خرم بهیمی

۳. سعادت نامه: مشتمل بر ۳۰۰ بیت و در همان هجوع روشنایی نامه است با همان وزن و در همان بحر سروده شده است. در این نامه زبان و ادب فارسی انتساب این اثر به ناصر خسرو مردود دانسته شده و گفته شده نویسنده آن ناصر دیگری است مشهور به شریف اصفهانی (متوفی ۷۳۵ق). (دفتری، همان، مدخل ناصر خسرو). ابیات زیر از سعادت نامه انتخاب شده است:

چو خواهی کرد باکس دشمنی ساز
میکن دوستی با او ز آغاز

فکنیدن دوستی با کس سلیمست
وفا بردن بسر کاری عظیمست

مرنجان کس خواهش عذر از آن پس
که بدکاری بود رنجانیدن کس

مکن قصد جفا گر باوفایی
ز سگ طبعی بود گرگ آشنایی

رنجانیدن کس هست آسان
بدست آوردنش نبود بدان سان

در گنج نیست سازگاریست
کلید باز گنج بردباریست

ب: آثار منشور

۱. سفرنامه: تقی زاده در مقدمه مفصلی بر «انصاری و خسرو درباره سفرنامه

می نویسد:

«سفرنامه ناصر خسرو ظاهراً اولین کتاب منشور این نویسنده است، که در آن، مسافرت هفت ساله خود را به ایران و آسیای صغیر و شامات و مصر عربستان شرح داده است. تاریخ تألیف سفرنامه کاملاً روشن نیست، گر چه ظاهراً هر روز در روزنامه مسافرت خود نوشته است.

این کتاب رهاورد سفر درازمدت اوست. با نثری ساده و روان نوشته شده است و شامل اطلاعات دقیق و باارزش جغرافیایی و تاریخی است. همچنین آداب و رسوم مردم و عادات متداول در ممالک مختلف از نگاه تیزبین وی مغفول نمانده و در جای جای کتاب به مناسبت بیان شده است. توصیفات گاهی چنان

جزئی و دقیق است که تصویر و تجسمی از اماکن و جایگاه‌هایی را که ناصر خسرو دیده است با ریزبینی هرچه تمام‌تر در مقابل چشم خوانندگان زنده می‌سازد و این کتاب را از جمله ارزنده‌ترین نوع کتب سفرنامه‌ای در جهان قرار می‌دهد.

این کتاب نخستین بار به کوشش مستشرق فرانسوی شارل شفر (۱۸۸۱م) در پاریس به چاپ رسید و بعد از آن بارها در ایران به چاپ رسیده است و مشهورترین و معتبرترین آن یکی سفرنامه به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی است که انتشارات زوار آن را چاپ کرده و دیگر به تصحیح دکتر جعفر شعار است که انتشارات قطره آن را به چاپ رسانده است. علاوه بر آن چاپ دیگری نیز موجود است که در مجموعه سخن پارسی از انتشارات شرکت سهامی جیبی به کسب نادر وزین پور به صورتی زیبا به چاپ رسیده ولی نقص عمده آن نداشتن فهرست اعلام است.»

ذکر یک نکته برای دانش‌مندان عزیز ضروری به نظر می‌رسد و آن اینکه در زمینه انتساب سفرنامه به ناصر خسرو دیدگاه‌های مخالفی نیز وجود دارد که برخی با تردید و برخی به‌طور قطع و یقین صحت این انتساب را مردود می‌دانند و به بررسی علل و عوامل مربوط به آن نیز می‌پردازد. یکی از مفسرین این آثار کتابی است با عنوان «نگاهی نو به سفرنامه» ناصر خسرو نوشته فیروز مسعودی که در سال ۱۳۷۲ چاپ شده و با ذکر دلایل و استدلال‌هایی از خود سفرنامه و منابع مرتبط دیگر برصدد است اثبات نماید که نویسنده این سفرنامه قطعاً ناصر خسرو قبادیانی بلخی نبوده است. از جمله عللی که در رد این انتساب توسط پژوهشگران به آن پرداخته شده است عدم تعلق به مذهب اسماعیلی و تبلیغ درباره آن در این کتاب است و با توجه به حضور پررنگ این گونه مضامین اعتقادی در جای‌جای آثار دیگر ناصر حتی در بطن اشعار تغزلی، این نکته جالب توجه است که اگر نویسنده سفرنامه همان ناصر خسرو است چرا هیچ اشاره‌ای به این موضوع نداشته است. یکی دیگر از این عوامل خصوصیات سبکی نثر سفرنامه است که با آثار دیگر ناصر خسرو و سایر آثار قرن پنجم تفاوت دارد و دیگر مربوط به نسخه‌های موجود که اکثراً مربوط به قرن‌های متأخر است.